مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران
سال ۲۸، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۴۷– ۲۷۱

تحلیل جریان‌های مهاجرت به مناطق ۲۲گانه‌ی شهر تهران

علی قاسمی اردهایی* و جعفر کردزنگنه

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

چکیده: موقعیت سیاسی شهر تهران موجب شده است این شهر طی دهه‌های گذشته به مرکز تجاری، صنعتی، اداری، آموزشی و نظامی ایران تبدیل شود. چنین وضعیتی سبب ایجاد موج‌های مهاجرتی و جابه‌جایی جمعیت از سرتاسر نقاط کشور به مقصد این شهر شده است. جهت شناخت وضعیت جمعیت مهاجر شهر تهران، در این مقاله با استفاده از داده‌های سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به مهاجران طول عمر و جمعیت شناور شهر تهران اشاره شده است و جمعیت مهاجر آن از لحاظ مبدأ و ویژگی‌های مهاجرت‌شان به‌تفکیک مناطق ۲۲گانه شهرداری مطالعه شده است. بعد از عامل پیروی از خانوار که مهم‌ترین دلیل مهاجرت به شهر تهران است، عامل‌های اشتغال، دستیابی به مسکن مناسب، تحصیل و انجام خدمت وظیفه از علت‌های مهم مهاجرت به شهر تهران است. با درنظر گرفتن استان‌های مبدأ مهاجران و علل مهاجرت به شهر تهران، مناطق شهرداری ۴، ۵، ۶ و ۱۵ در مقایسه با سایر مناطق، مهم و قابل توجه تشخیص داده شده است. در کنترل، مدیریت و برنامه‌ریزی مهاجران و جمعیت شناور مناطق مختلف شهر تهران، یک سری برنامه‌های سیاستی مستقیم و غیر مستقیم منعطف، موقعیتی و مشارکتی را می‌توان اعمال نمود.

واژگان کلیدی: مناطق ۲۲گانه‌ی شهر تهران؛ مهاجر؛ مهاجر طول عمر؛ جمعیت شناور؛ علت مهاجرت.

۱- مقدمه و طرح مسئله

انسان از زمانی که خود را شناخته، پیوسته در جستجوی نان، مأوای بهتر و امنیت بیش‌تر، از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر مهاجرت کرده است [۵]. عامل مهاجرت در شکل‌گیری و

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات

دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۵، پذیرش:۱۳۹۷/۸/۲۸.

گسترش شهر تهران بسیار مؤثر بوده است. شهر تهران در گذشته روستای کوچکی بوده که به تدریج گسترش یافته و به‌صورت تهران فعلی درامده است. بخش عمده‌ی جمعیت این شهر را ساکنان سایر نقاط کشور تشکیل می‌دهند که به این شهر مهاجرت کرده‌اند. با انتخاب شهر تهران به پایتختی کشور ایران در سال ۱۱۶۴ شمسی مرحله‌ی جدیدی در زندگی اجتماعی و اقتصادی تهران آغاز شد و وسعت جغرافیایی و حجم جمعیت آن، به شدت شروع به افزایش یافت. انتقال دربار و دستگاه‌های اداری به تهران، تمرکز قشون در این شهر و کوچاندن دوازده هزار خانوار از شیراز به تهران [۴] که احتمالاً برخی از آنان جزو کسبه و پیشه‌وران پایتخت زندیه بوده‌اند، طبیعتاً افزایش جمعیت و همچنین تغییر در ساختار اشتغال را به دنبال داشت. در حقیقت از این به بعد، تهران علاوه بر کارکردهای کشاورزی و تجاری، دارای کارکردهای نظامی و اداری نیز شد [۱۱]. جمعیت این شهر طی ۲۲۶ سال اخیر از حدود ۱۵ هزار نفر در سال ۱۱۶۴ شمسی به حدود ۸/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ شمسی [۱۳] افزایش یافته است.

بنا بر این، پایتخت شدن تهران موجب شده است این شهر سهم عمده‌ی امکانات آموزشی، خدماتی، بهداشتی، رفاهی و تجاری کشور را به خود اختصاص دهد. همین توزیع نابرابر امکانات و منابع بین تهران و سایر نواحی کشور، موج‌های عظیمی از مهاجران را به سوی تهران و شهرهای پیرامونی آن روانه ساخته و می‌سازد. در سال ۱۳۳۶ نخست‌وزیر وقت در مکاتبات خود به وزیر راه یادآوری کرد: «... یکی از مسائلی که همیشه مورد نظر دولت‌ها بوده و تا کنون راه حلی برای آن پیدا نشده، موضوع مهاجرت ساکنین شهرستان‌ها به تهران است. این مسئله علاوه بر این‌که مشکلاتی از لحاظ زندگی و جهات دیگر در پایتخت ایجاد کرده، باعث تقلیل جمعیت اغلب شهرستان‌ها و دهات و بالنتیجه خرابی، بلکه در بعضی نقاط جنوب ویرانی آنها شده است. ...» [۱۴]. در گزارش صاحب‌نظران مدیریتی به نخست‌وزیری در اواخر سال ۱۳۳۷ آورده شده: «ازجمله مهم‌ترین مسایل اجتماعی روز که هم اکنون به‌صورت مشکل بغرنجی جلوه‌گر شده، کوچ کردن اهالی ولایات و شهرستان‌ها و دهات و قصبات به مرکز کشور است که باعث شده جمعیت تهران بدون تناسب و به طور فوق‌العاده‌ای افزایش یابد.» [۱۴].

وجود عوامل جاذبه‌ای در شهر تهران نسبت به سایر مناطق کشور همانند اشتغال کاذب و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی بیش‌تر در تهران نسبت به سایر مناطق کشور و فراهم بودن شرایط شغلی و کاری بهتر برای زنان در تهران زمینه‌ساز جریان‌های مهاجرت بیش‌تر به

این شهر در دهه‌های اخیر بوده است. این امر موجب شده است تا مسئولین و برنامه‌ریزان شهر تهران، دغدغه‌هایی در زمینه‌ی افزایش جریان‌های مهاجرت به این کلان‌شهر داشته باشند. به طوری که یکی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران در یکصد و شصت و چهارمین جلسه‌ی علنی شورای اسلامی شهر تهران (واقع در سال ۱۳۹۴) با اشاره به مهاجرت به تهران و مشکلات حاشیه‌نشینی، ساخت آلونک‌ها در اطراف تهران و مشکلات امنیتی ناشی از مهاجرت، با بیان تذکری خواستار تشکیل کارگروه جلوگیری از مهاجرت به شهر تهران در شهرداری و یا استانداری تهران شده بود. بنا بر این، پرداختن به وضعیت مهاجرت در شهر تهران لازم و ضروری بوده و در این مقاله وضعیت مهاجران شهر تهران از لحاظ تعداد، جنس، مبدأ مهاجرت، علت مهاجرت و مدت مهاجرت و نیز وضع مهاجران طول عمر و جمعیت شناور به‌تفکیک مناطق ۲۲گانه در سال ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش‌نامه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ نسبت به سرشماری‌های قبل از آن یک‌سری تغییرات داشت که متأسفانه برخی از این تغییرات و محدودیت‌ها در زمینه‌ی داده‌های مهاجرت انجام گرفته است. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ سؤالاتی در زمینه‌ی علل مهاجرت و نیز سؤالاتی در زمینه‌ی محل اشتغال و محل تحصیل (که ازطریق آن جمعیت شناور سنجیده می‌شود) قرار داده نشده است. از آنجا که بدنه‌ی اصلی مقاله روی محورهای جمعیت شناور و به ویژه علت مهاجرت است، نبود این اطلاعات در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ موجب شده است تا محور داده‌های مقاله دو سرشمارهای عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ باشد.

۲- تهران در گذر مهاجرت

نخستین سرشماری شهر تهران در سال ۱۲۴۶ شمسی[1] انجام شد. در این سرشماری جمعیت ساکن در تهران به‌تفکیک محلات پنج‌گانه‌ی آن زمان محاسبه و کل جمعیت ۱۵۵,۷۳۶ نفر اعلام شد [۱] و [۱۱]. در این سرشماری، نزدیک به سه‌چهارم جمعیت شهر تهران را مهاجران تشکیل می‌دادند که تعداد ۸,۴۸۰ نفر (معادل۵/۴ درصد از کل جمعیت شهر) لشکری بودند و فقط ۲۶/۶ درصد از جمعیت شهر، تهرانی‌الاصل یا زاده‌ی تهران بودند [۱]. این موج عظیم مهاجرت به‌خصوص مهاجران موقت (افراد نظامی)

می‌تواند به شرایط آن زمان تهران که به تازگی به‌عنوان پایتخت انتخاب شده بود برگردد. با توجه به اطلاعات سرشماری ۱۳۰۱ شهر تهران، نسبت جنسی این شهر ۱۰۷ به‌دست آمد که تأیید دیگری بر مهاجرپذیری شهر تهران بوده است. افزایش جمعیت تهران از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۵ به‌خصوص ناشی از اثرات جنگ دوم جهانی بر اقتصاد کشور و نابودی و ورشکستگی روستاها بود که جمعیت قابل توجهی از ساکنان در روستاها را به شهرها خصوصاً تهران جذب می‌نمود [۱۱]. در گزارشی به تاریخ ۱۳۳۱/۶/۱۳ [۱۴] آورده شده است: «از چند ماه قبل ۵۰۰ هزار نفر به اهالی تهران افزوده شده که این عده از چهار ماه قبل به این طرف منازل خود را از دهات و قصبات و برخی شهرستان‌ها، به امید اینکه به وسیله‌ی تکدی و امثال آنها امرار معاش کنند، به تهران آمده‌اند».

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۴۵، ۵۴ درصد (۵۳ درصد مردان و ۵۶/۵ درصد زنان) و در سرشماری ۱۳۵۵، ۵۵ درصد (۵۳/۳ درصد مردان و ۵۷ درصد زنان) ساکنین شهر تهران متولد شهرستان تهران بودند. در سرشماری ۱۳۴۵ حدود ۴۵ درصد کل مهاجران ایران در دهه‌ی ۱۳۳۵-۱۳۴۵ به تهران آمده بودند. با توجه به براوردهای وزارت کار و امور اجتماعی و مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۰ [۱۴]، به طور متوسط سالانه حدود صد هزار نفر از سراسر نقاط ایران به شهر تهران مهاجرت می‌کردند. اکثر این مهاجران مردان روستایی بین ۲۰ تا ۳۰ سال بودند که دارای تحصیلات ابتدایی و نیمه ماهر بوده و بیش‌تر به خاطر یافتن شغل بهتر و درامد بیش‌تر اقدام به مهاجرت کرده بودند. بر اساس اطلاعات سرشماری ۱۳۴۵، حدود ۷۰ درصد مهاجران شهر تهران از پنج استان: آذربایجان شرقی، اصفهان، مرکزی، گیلان و همدان بودند که در این میان شهرستان‌های تبریز، اراک، اصفهان، همدان، قزوین، اردبیل، زنجان، قم، مشهد، کاشان، ساوه و یزد که بیست درصد جمعیت ایران را در خود جای داده بودند، تقریبا ۶۰ درصد مهاجران را به تهران می‌فرستادند [۱۴]. بر اساس براوردهای صورت گرفته توسط شهرداری تهران در سال ۱۳۵۱، جمعیت شهر تهران حدود چهار میلیون نفر تخمین زده شده بود. در گزارش شهرداری پایتخت به ریاست دفتر شاهنشاهی آورده شده: «در حال حاضر نه تنها ۱۲ درصد کل جمعیت کشور در تهران اقامت دارند، بلکه این اجتماع یک‌چهارم کل جمعیت شهرنشین ایران را تشکیل می‌دهد که مبین وضع خطرناک‌تر و نشان‌دهنده‌ی این امر است که سکنه‌ی دهات بدون اقامت در شهرها یک‌سره رهسپار پایتخت می‌شوند.» [۱۴].

با شکل‌گیری محدوده‌ی «تهران بزرگ» در سال ۱۳۵۲، شهرهای تجریش که خود آبادی‌های اوین، درکه، نیاوران، رستم آباد، قلهک، زرگنده، الهیه، داودیه، ضراب‌خانه و قسمت شهری ونک را نیز شامل می‌شد، به همراه شهر ری که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵- ۱۳۴۵ «کوی سیمان» را در خود ادغام کرده بود به قسمت‌هایی از شهر تهران تبدیل شدند و محدوده‌ی بسیار فعال‌تری را برای جذب مهاجران به وجود آوردند. این محدوده‌ی بزرگ در سرشماری ۱۳۵۵ به‌عنوان شهر تهران سرشماری شد و ۴,۵۳۰,۲۲۳ نفر جمعیت داشت که ۲,۴۹۵,۰۵۲ نفر آنان را جمعیت متولد در شهرستان تهران تشکیل می‌دادند [۹] و بقیه (۴۵درصد) مهاجران خارج از شهرستان محسوب می‌شدند. در سال ۱۳۶۵، ۳۵ درصد ساکنین شهر تهران متولد سایر نقاط کشور بودند.

بین سال‌های ۱۳۵۵- ۱۳۶۵ حدود ۴۹۶ هزار نفر و در بین سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ حدود ۵۶۸ هزار نفر به شهر تهران مهاجرت کرده‌اند که حدود ۱۴ درصد نسبت به دهه‌ی قبل از آن افزایش پیدا کرده است. در بین مهاجران دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۶۵، حدود ۳۲۰ هزار نفر مرد و ۲۴۷ هزار نفر زن بوده‌اند که نسبت جنسی حدود ۱۳۰ به‌دست می‌آید. به دلیل این‌که اکثر مهاجرت‌ها برای اشتغال و تحصیل می‌باشد، تعداد مردان بیش‌تر از زنان بوده است [۲].

در دهه‌های اخیر بیش‌ترین شدت مهاجرت داخلی در ایران مربوط به دهه‌ی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ است. با توجه به این امر و تأثیرپذیری شهر تهران از این موج مهاجرت داخلی، در دهه‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ حدود یک میلیون نفر به‌عنوان مهاجر وارد شهر تهران شدند که ۱۷ درصد آنان مهاجران درون شهرستانی، ۷ درصد خارج از کشور، ۷۰ درصد از شهرستان‌های سایر استان‌ها و تنها ۶ درصد از سایر شهرستان‌های استان تهران بودند. آمار مهاجران به شهر تهران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با یک کاهش نسبتاً محسوسی برخوردار بوده و به حدود ۷۵ هزار نفر در سال (۳۷۲ هزار برای کل دوره) رسیده است. از موارد مورد توجه نسبت به سرشماری قبل، افزایش مهاجران درون شهرستانی است که به ۳۰ درصد افزایش یافته و مهاجران از شهرستان‌های سایر استان‌ها ۶۰ درصد و مهاجران خارج از کشور ۶ درصد است. این موج مهاجرت به شهر تهران موجب شده است از جمعیت بالای هشت میلیون نفر شهر تهران [۱۳] محل تولد بیش از سه میلیون نفر خارج از شهر تهران (مهاجران طول عمر) باشد. آن‌هایی هم که متولد شهر تهران هستند، آبا و اجداد خیلی‌هایشان مهاجران از سایر مناطق کشور ایران هستند.

۳- تحلیل و استنباط نظری

با توجه به روند تاریخی مهاجرت‌های صورت گرفته به کلان‌شهر تهران که در قسمت قبل اشاره شد، جهت تبیین نظری علل مهاجرت‌های صورت گرفته به کلان‌شهر تهران و داده‌های مقاله می‌توان «نظریه‌ی اقتصاد نئوکلاسیک مهاجرت» را به کار برد. بر پایه‌ی این نظریه، مردم برای به حداکثر رساندن درامدشان از مناطق با دستمزد پایین به مناطق با دستمزد بالا (یا از مناطق فقیر به مناطق ثروتمند) مهاجرت می‌کنند. تفاوت دستمزد بین مناطق فرستنده و دریافت‌کننده‌ی مهاجر عامل مهم در شروع مهاجرت است. در این نظریه‌ی مهاجرت استراتژی فردی برای به حداکثر رساندن سودمندی است. بنا بر این، این نظریه در چارچوب اصل اقتصادی شناخته‌شده‌ی «عرضه و تقاضا»، جریان‌های مهاجرت را تبیین می‌کند. کادوالدر [۱۷] و جابز [۱۹] با توجه به این رویکرد نظری معتقدند جابه‌جایی مردم به‌عنوان نتیجه‌ای از وزن گزینه‌های اقتصادی بین مکان‌هاست. از صاحب‌نظران این حوزه می‌توان به ساستاد و تودارو اشاره نمود.

نظریه‌ی ساستاد[۲] به نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی معروف است. بعد از مطرح شدن نظریه‌ی ساستاد، بیش‌تر اقتصاددانان مهاجرت را به‌عنوان یک تصمیم به سرمایه‌گذاری سرمایه‌ی انسانی در نظر گرفتند. «سرمایه‌ی انسانی یک عامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری مهاجرت است که با توجه به احتمال پیدا کردن کار با یک سطح دستمزد مناسب در مقصد عمل می‌کند» [۲۳]. در این چارچوب مهاجرت به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود که معانی چندی از آن استخراج می‌شود:

الف) جوانان به‌دلیل این‌که دوره‌ی زندگی طولانی‌تری جهت جمع‌آوری سرمایه‌ی اولیه دارند، نسبت به سالخوردگان سود بیش‌تری را از مهاجرت به‌دست می‌آورند.

ب) هزینه‌های بیش‌تر جابه‌جایی بین دو منطقه از تحرک ما بین آن‌ها خواهد کاست.

ج) با توجه به سرمایه‌گذاری بیش‌تر بر روی تحصیلات افراد، زمانی که شرایط اقتصادی در یک منطقه بدتر باشد، معمولاً افراد دارای تحصیلات بالاتر فرصت‌هایی را در بازار کار دورتر جستجو خواهند کرد.

د) سمت و سوی مهاجرت بر این است که اختلاف در دستمزد را حذف نماید [۲۱].

تودارو [۲۴] و [۲۵] و هریس و تودارو [۱۸] با معرفی احتمال پیدا کردن شغل در بخش شهری و در بطن اقتصاد کشورهای جهان سوم، مدل سرمایه‌ی انسانی را گسترش دادند.

در حقیقت آن‌ها فرض کرده‌اند درامد مورد انتظار به جای درامد قطعی، نیروی تحریک‌کننده‌ی مردم جهت مهاجرت است. این‌ها معتقدند مهاجر بالقوه به شرایط استخدام واقعی در مکان‌های دوردست آگاهی ندارند، ولی توزیع درامد را در بین ساکنین مقصد احتمالی می‌دانند. فرض اصلی الگوی تودارو این است هر مهاجر بالقوه، بر مبنای هدف پیشینه‌سازی «درامد انتظاری» تصمیم می‌گیرد به شهر برود یا نه. تودارو معتقد است انگیزه‌های اقتصادی مهاجرین از سایر انگیزه‌ها قوی‌تر است و در درجه‌ی اول ملاحظات اقتصادی (یعنی توزیع نابرابر سرمایه و نیروی کار و به تبع آن تفاوت در دستمزدها) است که فرد را به مهاجرت ترغیب می‌کند. وی بیان می‌دارد مهاجرت اساساً بر پایه‌ی محاسبه‌ی اقتصادی و عقلایی فرد مهاجر استوار است [۲۰].

از مطالعاتی که در زمینه‌ی تحلیل مهاجران شهر تهران به‌تفکیک مناطق شهرداری انجام شده است، می‌توان به تحقیقات بنی‌هاشمی [۳] بر اساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و رنجی و همکاران [۶] بر اساس داده‌های سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ اشاره نمود. این محققان، ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مناطق ۲۲گانه‌ی شهر تهران را بررسی کرده‌اند که قسمتی از آن در زمینه وضعیت مهاجرت شهر تهران است.

۴- روش تحقیق و داده‌ها

روش تحقیق مقاله، تحلیل ثانویه‌ی داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ است. در سرشماری‌های ایران «مهاجر» فردی است که در فاصله‌ی زمانی دو سرشماری، شهر یا آبادی محل سکونت خود را به شهر یا آبادی دیگر تغییر داده است. بنا بر این، در این مقاله مهاجر فردی است که در سرشماری ۱۳۸۵ محل سکونت خود را در بین دو سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و در سرشماری ۱۳۹۰ محل سکونت خود را بین دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ از شهر یا آبادی دیگر به مقصد شهر تهران تغییر داده است.

۵- مهاجران طول عمر شهر تهران

بدون درنظر گرفتن درصد اظهارنشده‌ها، در سرشماری ۱۳۹۰ محل تولد ۳۵/۵ درصد و در سرشماری ۱۳۸۵ محل تولد ۳۶/۷ درصد جمعیت شهر تهران خارج از شهر تهران بوده است. به نوعی می‌توان اظهار داشت، بالای یک‌سوم جمعیت تهران را مهاجران طول عمر (یعنی کسانی که محل تولد و محل سکونت‌شان یکی نیست) تشکیل می‌دهد. با توجه به شکل ۱، ملاحظه می‌شود بیش‌ترین تراکم مهاجران طول عمر در مناطق شهرداری ۴، ۵ و ۱۵ و کم‌ترین آن در مناطق ۲۱ و ۲۲ بوده است. در ارتباط گذاشتن جمعیت مهاجر طول عمر نسبت به حجم کل جمعیت مناطق شهرداری نشان می‌دهد، مناطق شهرداری ۹، ۶، ۱۵ و ۱۸ به ترتیب بیش‌ترین و مناطق شهرداری ۱۳، ۱۴، ۲۰ و ۱۲ به ترتیب کم‌ترین مهاجر طول عمر را در ترکیب جمعیتی خود دارند. بنا بر این، درجه‌ی بومی بودن ترکیب جمعیت در مناطق ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۰ بیش‌تر از سایر مناطق شهر تهران بوده و نسبت آن در مناطق ۶، ۹، ۱۵ و ۱۸ کم‌تر از سایر مناطق است. در هر دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، محل تولد حدود یک و نیم درصد جمعیت شهر تهران خارج از کشور بوده است. هم از لحاظ تعداد جمعیت متولد در خارج از کشور و هم از لحاظ نسبت جمعیت متولد خارج از کشور هر یک از مناطق به کل جمعیت آن منطقه، مناطق ۲۰، ۱۵ و ۱۲ بیش‌ترین و مناطق ۸، ۹ و ۱۰ کم‌ترین اثرپذیری را در ترکیب جمعیتی از متولدین خارج از کشور داشته‌اند.

۶- جمعیت شناور شهر تهران

جمعیت شناور به افرادی گفته می‌شود که برای مدت زمانی (تقریباً بلندمدت و مداوم) و به‌دلایل مختلف به جامعه مقصد وارد شده اما به‌عنوان بخشی از جمعیت آن منطقه به حساب نیامده و در شمارش سرشماری برای جامعه‌ی مقصد شمارش نمی‌شود. با توجه به داده‌های سرشماری ایران، افراد ۱۰ ساله و بیش‌تر که محل سکونت‌شان خارج از شهر تهران بوده ولی محل کار یا تحصیل‌شان تهران بوده و مرتب به تهران رفت و آمد می‌کنند، جمعیت شناور تهران را شکل می‌دهد[۳].

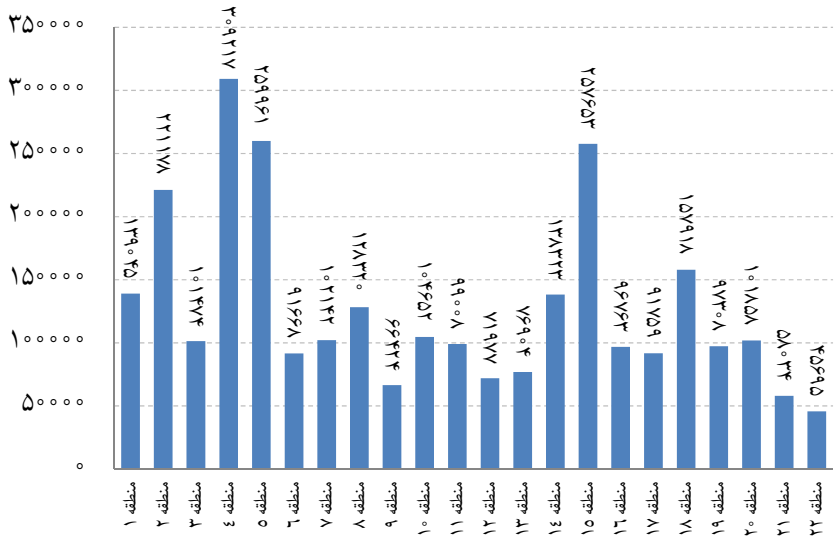

شکل ۱- توزیع مهاجران طول عمر شهر تهران به‌تفکیک مناطق شهرداری در سال ۱۳۹۰

بر اساس اطلاعات جمعیتی سرشماری ۱۳۹۰، حدود ۱۹۳ هزار (۲/۵ درصد جمعیت شهر تهران) جمعیت شناور در شهر تهران به سر می‌برد. با توجه به توزیع نامتناسب جمعیت در مناطق شهرداری تهران، توزیع جمعیت شناور نیز بسیار نامتناسب است (مطابق شکل ۲). ۱۲ منطقه شهرداری ۱۱ تا ۲۲ جمعاً به اندازه‌ی سه منطقه‌ی ۲، ۴ و ۵ پذیرای جمعیت شناور هستند. این جمعیت اغلب از سایر شهرستان‌های استان تهران و نیز استان البرز هستند. حجم بالای جمعیت شناور در شهر تهران موجب پدید آمدن شهرک‌ها و شهرهای خوابگاهی در اطراف شهر تهران شده است که جمعیت‌شان روزها وارد شهر تهران شده و در شب به محل سکونت‌شان (خوابگاه‌شان) بر می‌گردند. جمعیت شناور نیز همانند جمعیت مهاجر بر دو نقطه‌ی جغرافیایی مبدأ و مقصد اثرات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مثبت و منفی دارد. با توجه به این‌که کلان‌شهر تهران با معضلات ترافیک و آلودگی هوا مواجه است، مسلم است که حجم زیاد جمعیت شناور می‌تواند اثرات منفی زیست-محیطی و آسایشی و رفاهی برای ساکنان شهر تهران به همراه داشته و به‌عنوان یکی از معضلات این شهر مطرح شود. قسمت عمده‌ای از ترافیک درون‌شهری و نیز بین‌شهری تهران با شهرهای پیرامونی‌اش، ناشی از این پدیده‌ی جمعیتی است. باید توجه

داشت که شناوری جمعیت یک پدیده‌ی جمعیتی خاص مناطق صنعتی است. هزینه‌های بالای مسکن در مراکز کلان‌شهرها و نیز استفاده‌ی گسترده از وسایل حمل و نقل (همانند قطار، اتوبوس و مترو)، امکان زندگی در محلی دور از محل کار و تحصیل را موجب می‌شود.

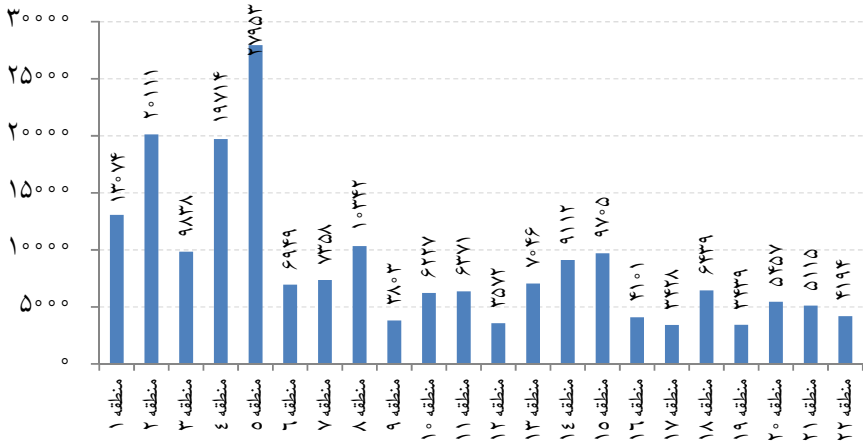

شکل ۲- توزیع جمعیت شناور شهر تهران به‌تفکیک مناطق شهرداری در سال ۱۳۹۰

۷- جمعیت مهاجر شهر تهران

بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ سالانه به‌طور متوسط صد هزار مهاجر وارد شهر تهران شده است. مناطق ۴ و ۵ مهاجران بیش‌تری را نسبت به سایر مناطق شهرداری جذب نمودند و همراه با مناطق ۱۵ و ۲ حدود ۳۷ درصد مهاجران شهر تهران را در خود جای داده‌اند. تعداد مهاجر سالانه‌ی واردشده به شهر تهران در سال ۱۳۹۰ به حدود ۷۵ هزار مهاجر کاهش می‌یابد که بیش‌ترین مهاجران به‌ترتیب وارد مناطق شهرداری ۵، ۴، ۲، ۱ و ۱۵ (مطابق با شکل ۳) شده‌اند. در هر دو سرشماری یادشده، کم‌ترین درصد مهاجران (زیر دو درصد) به مناطق ۲۱ و ۲۲ اختصاص دارد. جهت اجتناب از اثرگذاری تعداد جمعیت مناطق در درصد مهاجر وارد شده، سهم مهاجران نسبت به جمعیت هر یک از مناطق برای سرشماری ۱۳۹۰ (شکل ۴) محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد مناطق ۶، ۱ و ۹ درصد مهاجر بیش‌تری را نسبت به کل جمعیت‌شان داشته‌اند. بقیه‌ی مناطق نیز نزدیک نسبت به‌دست آمده برای کل شهر تهران (حدود ۴ درصد) است.

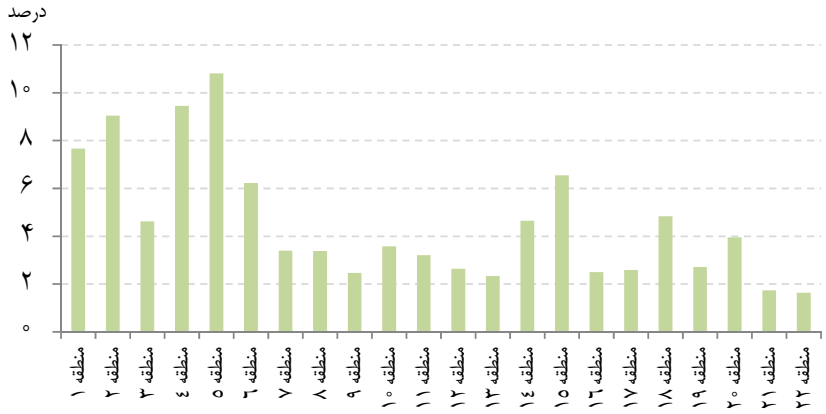

شکل ۳- توزیع نسبی مهاجران وارد شده به شهر تهران به‌تفکیک مناطق شهرداری در سال ۱۳۹۰

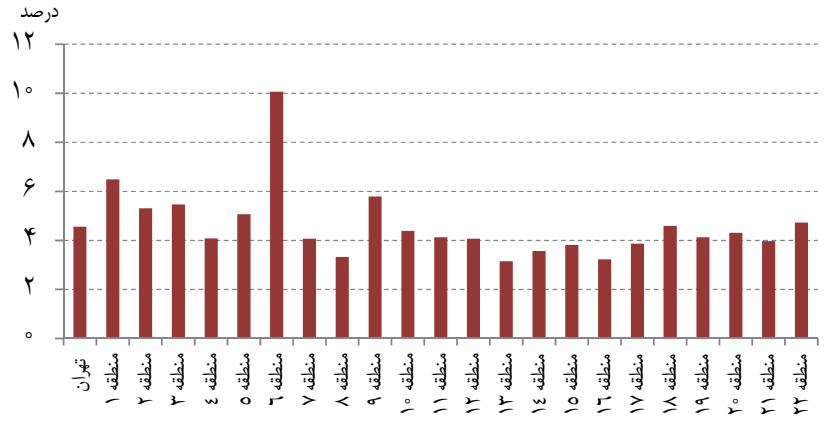

شکل ۴- سهم جمعیت مهاجر از جمعیت کل هریک از مناطق شهرداری تهران در سال ۱۳۹۰

برخلاف الگوی کشوری که در سرشماری‌های عمومی نفوس ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ حدود ۴۰ درصد مهاجران را مهاجران بین استانی تشکیل می‌دهد، برای شهر تهران این درصد در سرشماری ۱۳۸۵ ۷۰ درصد و در سرشماری ۱۳۹۰ حدود ۶۰ درصد بوده است. از نکات مهم و مورد توجه، سهم بسیار ناچیز مهاجران از سایر شهرستان‌های استان تهران در حجم جمعیت شهر تهران است که در سرشماری ۱۳۹۰ تنها دو درصد بوده است. وجود مراکز

سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تجاری در شهر تهران موجب شده است، مهاجران از سایر استان‌های کشور اقدام به مهاجرت به این شهر نمایند. در زمینه‌ی مهاجران درون شهرستانی به شهر تهران، درصد به‌دست آمده برای مناطق شهرداری ۲۰، ۱۸ و ۱۷ بیش‌تر از بقیه‌ی مناطق است. مناطق ۲۰ و ۲۱ هم نسبت به سایر مناطق مهاجران بیش‌تری را از سایر شهرستان‌های استان تهران جذب نموده‌اند. در زمینه‌ی مهاجران از شهرستان‌های سایر استان‌ها، به‌ترتیب سهم مناطق ۶، ۹ و ۱۴ بیش‌تر از سایر مناطق است.

در سرشماری ۱۳۹۰ حدود ۷ درصد مهاجران واردشده به شهر تهران را مهاجران خارج از کشور تشکیل می‌دهد که این مهاجران بالای یک چهارم مهاجران خارجی واردشده به ایران را شامل می‌شود. صادقی بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که بیش‌ترین مهاجران خارجی (حدود ۳۲ درصد) در استان تهران ساکن هستند [۱۰]. در سرشماری ۱۳۸۵ مناطق ۱۲، ۱۵ و ۲ و در سرشماری ۱۳۹۰ مناطق ۱، ۲۲، ۱۶ و ۱۲ بیش‌ترین مهاجران خارجی را در خود جای داده‌اند. درصد مهاجران خارجی بیش‌تر از سهم مهاجران با مبدأ آبادی (حدود ۶ درصد) است. بالای ۸۰ درصد مهاجران واردشده به شهر تهران منشأ شهری دارند. مناطق ۱۵ تا ۱۹ مناطقی هستند که نسبت به سایر مناطق، مهاجران بیش‌تری را از آبادی‌های استان تهران و شهرستان‌های سایر استان‌ها جذب نموده‌اند.

جهت نشان دادن تعداد مهاجران وارد شده به مناطق شهر تهران در هر یک از سال‌های بین ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، از سؤال «مدت اقامت در این شهر» که به‌صورت «کم‌تر از یک سال» و «۵ سال» گزارش شده، استفاده شده است. شکل ۵ نشان می‌دهد ۳۰ درصد مهاجران به مدت یک سال است که محل سکونت خود را به مقصد شهر تهران ترک کرده‌اند. بعد از آن مدت‌های اقامت دو و سه سال قرار می‌گیرد. پراکندگی مهاجران بر حسب مدت اقامت در هر یک از مناطق ۲۲گانه شهرداری شبیه الگوی کلی ارایه‌شده در شکل ۵ است. البته باید توجه داشت، با توجه به فاصله‌ی پنج‌ساله بین سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، چنین تقسیم‌بندی مدت اقامت نمی‌تواند منطقی بوده و آخرین مدت اقامت باید «۴ سال» گزارش می‌شد. چون مجموع این‌هاست که می‌تواند مدت اقامت ۵ سال و کم‌تر را برای مهاجران به‌دست دهد. به این دلیل است که تعداد گزارش‌شده برای پنج سال بسیار کم‌تر نشان داده شده است.

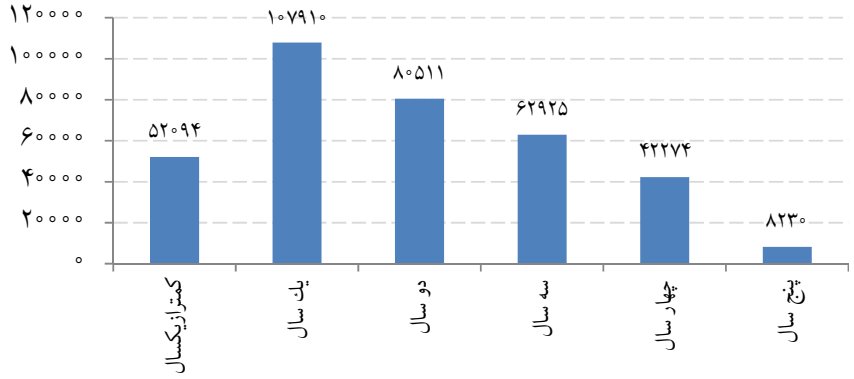

شکل ۵- توزیع مهاجران وارد شده به شهر تهران برحسب مدت اقامت در سال ۱۳۹۰

۸- استان‌های مهاجرفرست به شهر تهران

با توجه به سهم جمعیتی استان تهران از جمعیت کل کشور، این استان در تمام سرشماری‌های برگزارشده همواره بیش‌ترین درصد مهاجران واردشده را به خود اختصاص داده است. تا سرشماری ۱۳۹۰، این استان بیش‌ترین خالص مهاجرت مثبت را داشته است که در این سرشماری با توجه به جدا شدن استان البرز از تهران، خالص مهاجرت منفی برای این استان به‌دست آمد. این امر نشان می‌دهد در سرشماری‌های قبل از سال ۱۳۹۰ شهرستان‌های واقع در استان البرز (به ویژه شهرستان کرج) از قطب‌های مهاجرپذیر مهم مهاجران بین استانی بوده است. در طی دهه‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵، بیش‌ترین مهاجران واردشده به استان تهران از استان آذربایجان‌شرقی بوده و پس از آن به‌ترتیب استان‌های همدان، خراسان رضوی و گیلان قرار دارند. در دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ بیش‌ترین مهاجران واردشده به استان تهران از استان‌های البرز (۱۱ درصد)، خراسان رضوی (۷/۶ درصد)، آذربایجان شرقی (۶/۶ درصد) و همدان (۶/۶ درصد) است [۱۵].

الگوی مبدأ مهاجرتی مهاجران واردشده به شهر تهران تا حدودی شبیه الگوی استان تهران است. در شکل ۶ ملاحظه می‌شود که بیش‌ترین مهاجران به شهر تهران در سرشماری ۱۳۹۰ از سایر نقاط استان تهران (۳۷ درصد) و به‌عبارت صحیح‌تر از سایر نقاط شهرستان تهران بوده است و بعد از آن استان‌های البرز (۵/۵ درصد)، خراسان رضوی (۲/۵ درصد)، اصفهان (۶/۴ درصد) و آذربایجان شرقی (۴/۳ درصد) قرار می‌گیرند.

کم‌ترین مهاجران واردشده به شهر تهران نیز همانند استان تهران از استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، چهارمحال و بختیاری و بوشهر است.

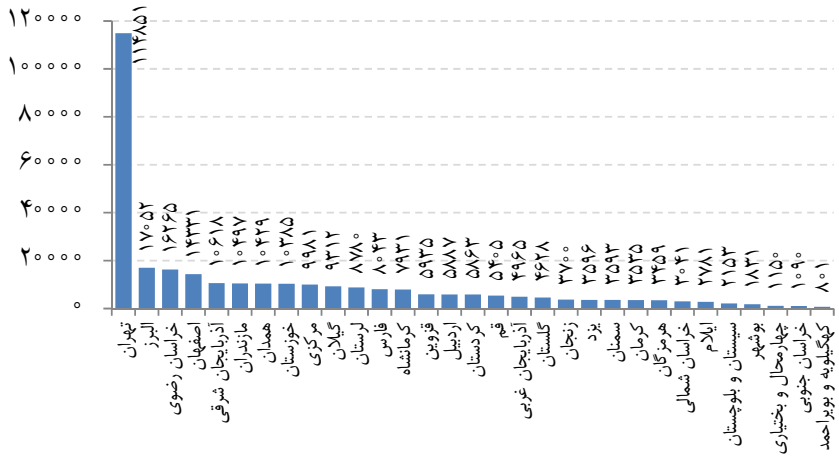

شکل ۶- توزیع جمعیت مهاجر شهر تهران به‌تفکیک استان‌های مبدأ مهاجرت در سال ۱۳۹۰

بررسی پراکندگی مهاجران وارد شده به مناطق شهرداری ۲۲گانه نشان می‌دهد مهاجران از استان‌های مختلف بیش‌تر مناطق ۴، ۵ و ۶ را به‌عنوان مقصد مهاجرتی خود انتخاب نموده‌اند. مهاجران از استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان‌های جنوبی، شمالی و رضوی، سمنان، لرستان، مرکزی و همدان منطقه‌ی ۴ شهرداری، مهاجران از استان‌های البرز، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، قزوین، کرمانشاه و هرمزگان منطقه‌ی ۵ شهرداری، مهاجران از استان‌های آذربایجان غربی، اصفهان، زنجان، فارس، قم، کرمان و مازندران منطقه‌ی ۶ شهرداری، مهاجران از کهگیلویه و بویراحمد منطقه‌ی ۷، مهاجران گیلانی منطقه‌ی ۱۰ و در نهایت مهاجران از اردبیل و ایلام منطقه‌ی ۱۵ را بیش‌تر به‌عنوان مقصد مهاجرتی خود در تهران انتخاب نموده‌اند. اولویت‌های بعدی مهاجران از استان‌های مختلف در زمینه‌ی انتخاب مناطق شهرداری تهران در شکل ۱ قابل ملاحظه است. شکل ذکر شده گویای این است که مناطق ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ شهر تهران جاذبه‌ی کم‌تری برای جذب مهاجران از سایر استان‌های کشور دارند.

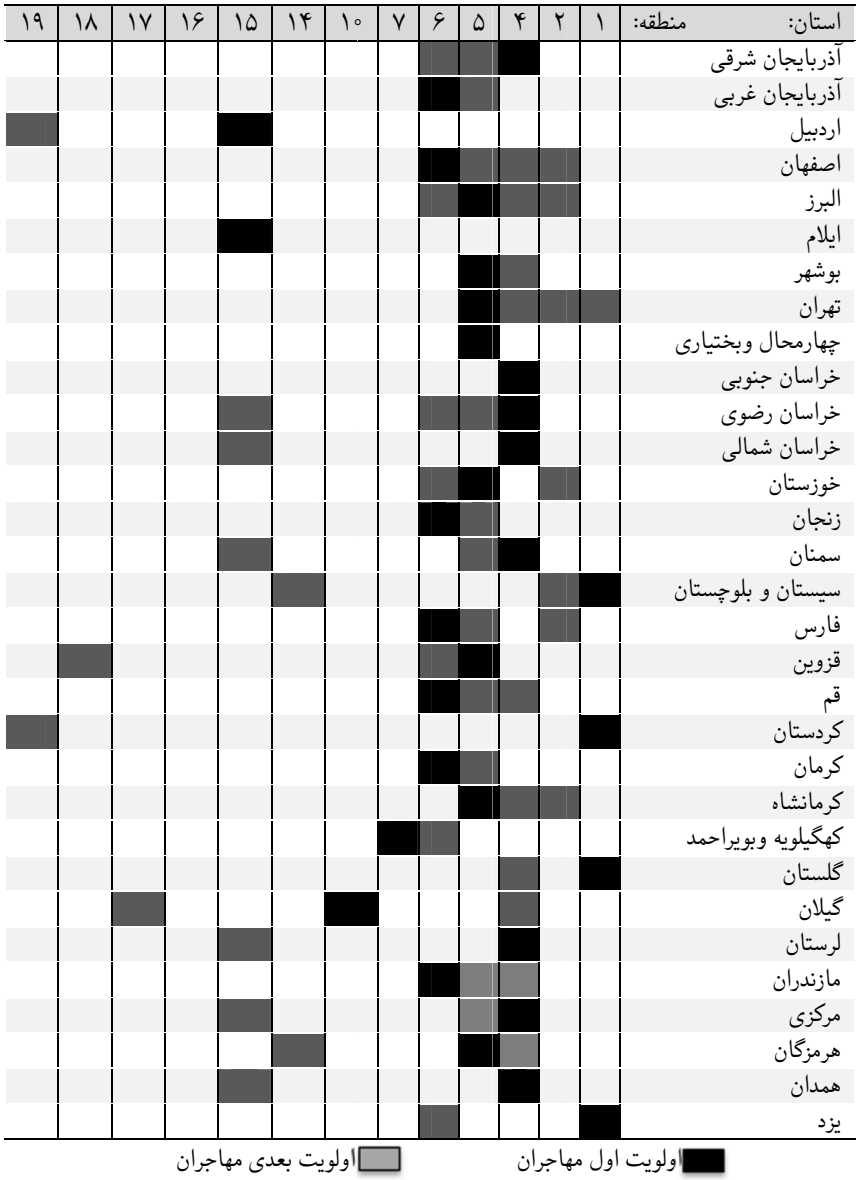

شکل ۷- پراکندگی مهاجران مناطق مختلف شهر تهران به‌تفکیک استان‌های مبدأ مهاجرت در سال ۱۳۹۰

۹- علت مهاجرت به شهر تهران

با توجه به ویژگی خاص شهر تهران نسبت به سایر مناطق کشور همانند پایتخت بودن، تمرکز مراکز سیاسی، اداری، تجاری، آموزشی، فرهنگی و غیره در آن، دلایل مهاجرت به آن نیز متنوع و متفاوت است. به خاطر استفاده از داده‌های سرشماری، در اینجا به علل گزارش‌شده در سرشماری ۱۳۹۰ اشاره می‌شود. همانند سایر تحقیقات مهاجرت برامده از داده‌های سرشماری، در این مطالعه نیز بیش‌ترین علت مهاجرت به شهر تهران عامل پیروی از خانوار (۴۴/۵ درصد) به‌دست آمده است. بعد از این عامل، علت‌های اشتغال (جستجوی کار و کار بهتر و انتقال شغلی) با ۲۵/۵ درصد، تحصیل و پایان تحصیل با ۱۴/۵ درصد، دستیابی به مسکن مناسب‌تر با ۱۳ درصد و در نهایت انجام و پایان خدمت وظیفه با ۲/۵ درصد قرار دارند (شکل ۸)[۴].

در تحلیل منطقه‌ای علل مهاجرت به شهر تهران (شکل ۱۰)، مناطق ۱ تا ۶ به همراه مناطق ۹، ۱۴، ۱۵ و ۲۰ مورد توجه و مهم هستند. به ویژه مناطق ۴ و ۵ که در اکثر دلایل مهاجرت سهم عمده‌ای در جذب مهاجران از مناطق مختلف ایران دارند. منطقه‌ی ۴ در جستجوی کار، منطقه‌ی ۵ در دست‌یابی به مسکن مناسب‌تر و پیروی از خانوار، منطقه‌ی ۶ در تحصیل و پایان تحصیل، منطقه‌ی ۹ در جستجوی کار بهتر، منطقه‌ی ۱۴ در انجام و پایان خدمت وظیفه و منطقه‌ی ۱۵ در انتقال شغلی، بیش‌تر مورد توجه مهاجران از مناطق مختلف ایران هستند.

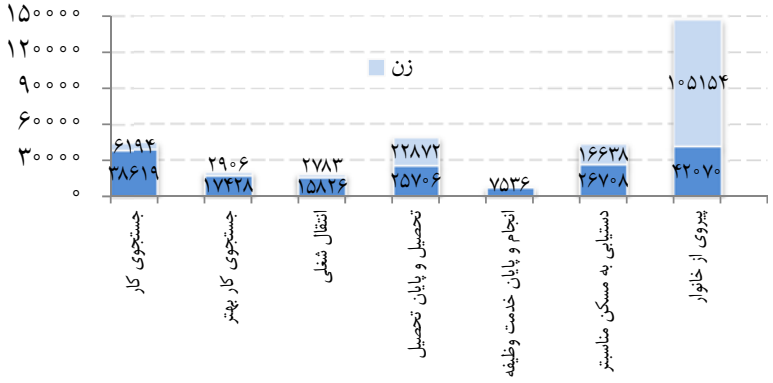

شکل ۸- توزیع جمعیت مهاجر شهر تهران برحسب علت مهاجرت در سال ۱۳۹۰

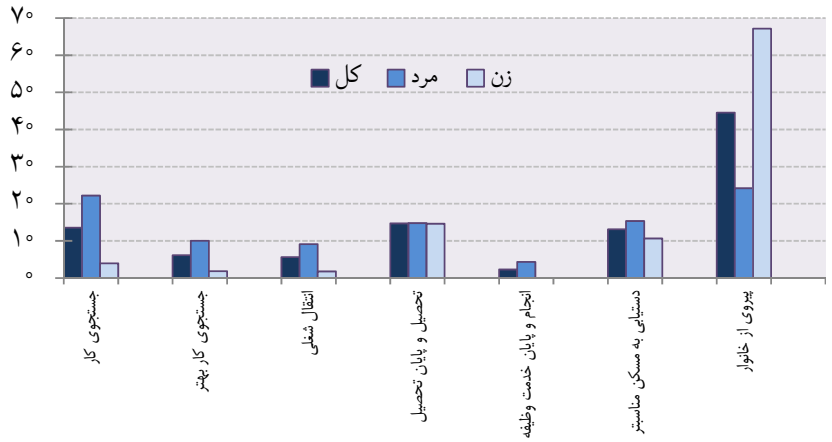

شکل ۹- توزیع نسبی جمعیت مهاجر شهر تهران بر حسب علت مهاجرت به‌تفکیک جنس در سال ۱۳۹۰

علت مهاجرت: / منطقه:	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۹	۱۴	۱۵	۲۰
جستجوی کار	■			■	■				■	
جستجوی کار بهتر				■	■		■	■		
انتقال شغلی				■	■				■	
تحصیل و پایان تحصیل		■	■			■				
انجام و پایان خدمت وظیفه	■							■		
دستیابی به مسکن مناسب‌تر		■			■					■
پیروی از خانوار				■	■				■	

■ اولویت اول مهاجران ■ اولویت بعدی مهاجران

شکل ۱۰- پراکندگی مهاجران مناطق مختلف شهر تهران به‌تفکیک علت مهاجرت در سال ۱۳۹۰

تحلیل جنسی علت مهاجرت نشان می‌دهد تفاوت عمده‌ای در درصدهای به‌دست آمده برای علل مهاجرت در بین مردان و زنان وجود دارد (شکل ۹). در علت‌های اشتغال و دست‌یابی به مسکن مناسب‌تر، درصد مردان بسیار بیش‌تر از زنان است، این در حالی است که در پیروی از خانوار درصد به‌دست آمده برای زنان ۲/۸ برابر مردان است.

نسبت جنسی مهاجران مورد بررسی ۱۰۹ (۱۹۴,۰۵۱ مرد و ۱۷۷,۶۳۸ زن) به‌دست آمده که نشان می‌دهد در مهاجرت به شهر تهران، مردان غلبه‌ی محسوس‌تری نسبت به زنان دارند. این مردان اغلب جهت به‌دست آوردن شغل و شغل بهتر اقدام به مهاجرت به شهر تهران نموده‌اند. نسبت جنسی مهاجرانی که برای اشتغال به تهران مهاجرت کرده‌اند، رقم قابل توجه ۶۰۰ است که نشان می‌دهد به ازای هر یک‌صد زن ششصد مرد برای دلایل اشتغال اقدام به مهاجرت به تهران نموده‌اند. در مقابل، در علت پیروی از خانوار به‌عنوان علت مهاجرت، نسبت جنسی ۴۰ به‌دست آمده است و نشان می‌دهد در این نوع مهاجرت زنان درصد خیلی بیش‌تری را نسبت به مردان دارند. با توجه به این امر، می‌توان گفت مردان به خاطر علت‌های اشتغال اقدام به مهاجرت به شهر تهران نموده‌اند، در حالی که زنان تا حدودی به‌صورت غیر ارادی و در جهت تبعیت از خانوار خود مهاجرت کرده‌اند.

۱۰- سیاست‌های مهاجرتی شهر تهران

ملاحظه شد که شهر تهران به‌عنوان اولین قطب مهاجرپذیر ایران بوده و روند چنین جریانی می‌تواند برای شهر تهران مشکلات بی‌شماری پدید آورد. حال این سؤال مطرح است که آیا تا به حال سیاست‌های خاصی برای جلوگیری از مهاجرت به این شهر اعمال شده است؟ و اگر اعمال شده موفقیتشان در چه حدی بوده است؟

سیاست‌های مهاجرتی، مجموعه اقداماتی است که درباره‌ی مهاجران اعمال می‌شود. این اقدامات افراد غیر مهاجر را شامل نمی‌شود و به همین دلیل به سادگی قابل تشخیص است [۸]. در مورد شهر تهران می‌توان گفت که سیاست‌های مهاجرتی به مجموعه اقداماتی اشاره دارد که در زمینه‌ی مهاجرت از سایر نقاط کشور به شهر تهران و در مواردی به شهرک‌های پیرامون آن اعمال می‌شود. سیاست‌هایی که سعی می‌شود بوسیله‌ی آن روند رو به رشد مهاجرپذیری شهر تهران مهار شود. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان سیاست‌های مهاجرتی را در دو دسته جای داد: سیاست‌های مستقیم و سیاست‌های غیر مستقیم. سیاست‌های مستقیم که آشکارا برای تغییر روال مهاجرت طرح‌ریزی شده و الگوهای اقامت و جابه‌جایی را شامل می‌شود. سیاست‌های غیر مستقیم عموماً هدفشان بهبود بخشیدن به شرایط موجود در مناطق مبدأ و به وجود آوردن کوچگاه‌های متفاوت از قبیل شهرهای میانی برای جذب مهاجران شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها است.

تا زمان انقلاب اسلامی سیاست مهاجرتی خاصی در تهران اعمال نشده بود. در برخی موارد برنامه و اندیشه‌ی سیاست مهاجرتی مطرح ولی عملیاتی نشد. برای مثال، در سال ۱۳۳۶ در نامه‌ی اداره‌ی امور اقتصادی وزارت امور خارجه به نخست‌وزیری، راجع به جلوگیری از مهاجرت مردم شهرستان‌ها به پایتخت موارد ذیل آورده شده است: [۱۴] انتقال بعضی بنگاه‌ها و مؤسسات وابسته به دولت به شهرستان‌ها، ایجاد مؤسسات و سازمان‌های جدید تابع وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های دولتی در شهرستان‌ها، کاهش تمرکز امور اداری در تهران و مختار بودن شهرستان‌ها در انجام برخی از امورات مربوطه، ایجاد مدارس حرفه‌ای در شهرستان‌های کوچک و دهات، نقش شهرداری‌های مبدأ در جلوگیری از مهاجرت مردم (با فرض استقلال شهرداری‌ها) از طریق تأمین وسایل اولیه‌ی زندگی از قبیل برق، آب آشامیدنی، نظافت و آسفالت شهرها و ایجاد مراکز سرگرمی و تفریح از قبیل سینما، ورزشگاه و قرائت‌خانه.

در سال ۱۳۵۴ در زمینه‌ی راه‌های جلوگیری و کنترل جریان‌های مهاجرت به شهر تهران، سازمان‌های مؤثر در این فرایند جمعیتی نظریات خود را به‌صورت ذیل ارایه نمودند: [۱۴] شهرداری تهران: صدور پروانه‌ی اقامت برای تمام ساکنان شهر تهران توسط شهرداری، انتقال کارخانجات به خارج از حریم تهران، انتقال سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت به خارج از تهران، عدم استخدام و به‌کارگیری کسانی که پروانه اقامت ندارند توسط وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی و کارخانجات. وزارت تعاون و امور روستاها: مسئله‌ی تهران را باید در قالب مجموع برنامه‌های عمرانی کشور قرار داد و چاره‌ها را در خارج تهران جستجو کرد. پس، سیاست‌هایی را باید اتخاذ نمود که منجر به افزایش جاذبیت سایر شهرستان‌ها در مقابل تهران شود.

بعد از انقلاب است که شاهد سیاست‌های مستقیم و غیر مستقیم مهاجرتی در شهر تهران هستیم. بعد از انقلاب اسلامی مقررات خاصی برای اسکان و اشتغال افراد در تهران به اجرا گزارده شد. در آن زمان خرید واحد مسکونی، مجوز اشتغال و حتی ثبت نام فرزندان در مدارس موکول به ارائه‌ی دفتر بسیج اقتصادی خاص آن شهر یا منطقه شد [۱۴]. چون خرید واحد مسکونی نیز در تهران بدون داشتن دفترچه بسیج اقتصادی ممنوع بود، عملاً مهاجران به تهران به جای سکونت در آن شهر در شهرک‌ها و آبادی‌های پیرامونی مستقر شدند و به جای افزایش جمعیت شهر تهران موجب افزایش آبادی‌های پیرامونی آن شدند که خارج از شمول محدودیت‌های خاص شهر تهران بودند. به همین جهت در دوره‌ی

پنج‌ساله‌ی اول ۱۳۵۵- ۱۳۶۵ (۱۳۵۵- ۱۳۶۰) سهم مهاجرت در افزایش جمعیت شهر تهران در مقایسه با ۱۰ سال قبل از آن افزایش یافت و از ۱/۱۹ درصد در سال به ۲/۲۴ درصد در سال رسید، ولی این روند از سال ۱۳۶۰ به بعد جنبه‌ی منفی به خود گرفت و بر اثر آن برای نخستین‌بار در طول دوره‌ی ۱۰۰ سال گذشته میزان افزایش جمعیت شهر تهران به کم‌تر از میزان رشد طبیعی آن رسید [۷]. همچنین تعیین محدوده‌ی ۱۲۰ کیلومتری ممنوعیت ایجاد صنایع سنگین و آلوده‌زا در پیرامون شهر تهران و ایجاد شهرهای جدید در اطراف شهر تهران به‌صورت غیر مستقیم به کاهش بار جمعیتی تهران آن زمان انجامید.

ارزیابی سیاست‌های مستقیم و غیر مستقیم مهاجرتی شهر تهران نشان می‌دهد هیچ کدام از سیاست‌های مذکور نتوانسته‌اند آن رسالتی که بر عهده داشتند را پیاده کنند. سیاست مستقیم مهاجرتی اولاً نتوانست به مدت زیادی اعمال شود و یک دوره‌ی زمانی محدودی را شامل شد و ثانیاً این سیاست‌ها باعث جذب مهاجران شهر تهران توسط شهرهای پیرامون آن شدند، که در نتیجه‌ی آن طی دهه‌های گذشته، شهرهای پیرامون شهر تهران از نرخ رشد جمعیت جهشی برخوردار شدند. مثلاً شهرهای رجائی‌شهر، مهرشهر، قرچک، اسلام‌شهر و رباط‌کریم که در پیرامون تهران قرار گرفته‌اند، طی سرشماری‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ (که سیاست‌های مهاجرتی در تهران اعمال شد) به ترتیب از میزان رشد جمعیتی سالانه؛ ۳۰/۳، ۳۰، ۱۸، ۱۴/۲، ۱۵/۶ برخوردار بودند. اگرچه هدف از ایجاد این شهرها همین بود، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد مهاجران ابتدا به این شهرها (شهرک‌ها)ی حاشیه‌ای وارد شده و بعد از بهبود وضع مالی و آشنایی با محیط شهری و کلان‌شهری قصد مهاجرت به شهر تهران را می‌کنند [۱۲].

۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

تهران به‌عنوان قطب جمعیتی کشور، از بافت جمعیتی شناور و تقریباً غیر بومی برخوردار است. وجود مهاجران، جمعیت شناور و نیز جمعیت رهگذر و مسافر موجب این شده است که جمعیت بومی آن چندان به چشم نیاد. مدیریت و برنامه‌ریزی جمعیتی با چنین ویژگی منحصر به فرد نیازمند شناخت تمامی وجوه اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی آن است. در این مقاله به برخی از وجوه مهاجرتی شهر تهران اشاره شد.

وجود عوامل جاذبه‌ای در شهر تهران موجب شده است شمار زیادی از افراد به دلایل کاری و بهبود وضعیت کاری خود به این شهر مهاجرت نمایند. این عامل‌های جاذبه‌ی مقصد و دافعه‌ی مبدأ ازجمله تفاوت در دستمزد و شرایط استخدامی بین مناطق مبدأ و مقصد توسط برخی از محققین [۲۲]، [۲۳]، [۲۴]، [۲۶] و [۱۸] مطرح شده است. دستیابی به مسکن مناسب‌تر نیز ازجمله جاذبه‌های دیگر تهران است که درصد قابل توجهی را از سایر نقاط کشور (بیش‌تر هم از مناطق شهری و آبادی پیرامون خود) جذب نموده است. در رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک بحث می‌شود افراد جهت به حداکثر رساندن سود فردی‌شان (مخصوصاً برای به حداکثر رساندن درامد مورد انتظار) تصمیمات عقلانی می‌گیرند. در این چارچوب افراد به‌عنوان کنشگران معقول در نظر گرفته می‌شوند که بر اساس ارزیابی‌های هزینه- فایده تصمیم به مهاجرت می‌گیرند.

به دلیل وجود مراکز آموزشی و دانشگاهی و نیز مراکز نظامی و انتظامی بیش‌تر درون شهر، خدمت وظیفه و تحصیل نیز به‌عنوان دلایل مهاجرت به این شهر مطرح شده است. این دو عامل در کنار تعداد مهاجران شهر تهران، می‌توانند به‌عنوان مهم‌ترین علل افزایش جمعیت شناور و جمعیت میهمان شهر تهران در طول روز باشند. جمعیتی که با انجام امور تحصیلی و شغلی‌شان شب‌ها به محل سکونت خود برمی‌گردند. با توجه به اثرات شگرف جمعیت شناور در حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق مبدأ و مقصد، در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌ها برای مناطق مختلف باید این امر جمعیتی مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

در موازنه‌ی مهاجرتی شهر تهران با سایر مناطق کشور، سایر شهرستان‌های استان تهران بسیار مهم و مورد توجه است. به طوری که یک‌سوم مهاجران شهر تهران از این شهرستان‌ها بوده و نیز اکثر مهاجرانی که از شهر تهران خارج می‌شوند به مقصد این شهرستان‌هاست. وجود چنین وضعیتی نشانگر مهاجرت مرحله‌ای به سمت شهر تهران است. به‌این صورت که مهاجران از سایر استان‌ها ابتدا وارد شهرستان‌های مجاور شهر تهران شده و سپس با فراهم شدن شرایط مناسب کاری و مالی و مسکن به سمت شهر تهران مهاجرت می‌کنند. بنا بر این، شدت مهاجرت به سایر شهرستان‌های استان تهران از سایر نقاط کشور، می‌تواند بر احتمال وقوع مهاجرت به شهر تهران از این مناطق در آینده منجر شود.

استان‌های البرز، خراسان رضوی، اصفهان و آذربایجان شرقی هم در مقایسه با سایر استان‌ها، در افزایش جمعیت مهاجر شهر تهران مؤثرند. به ویژه استان البرز که به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی علاوه بر مؤثر بودن در وضعیت مهاجرت شهر تهران، در وضعیت شناوری جمعیت این شهر نیز بسیار مؤثر است. وجود وضعیت ترافیکی سنگین بین شهر تهران با شهرهای استان البرز در زمان‌های ساعات شروع و پایان ادارات شهر تهران مؤید این مطلب است.

به شهرداری تهران به‌عنوان عالی‌ترین نهاد متولی امورات شهر تهران، در زمینه‌ی سازماندهی و برنامه‌ریزی جمعیت مهاجر و شناور تهران، پیشنهاد می‌شود موارد ذیل را مورد توجه قرار دهد:

- ✓ با توجه به وجود منبع اطلاعاتی در زمینه‌ی سیستم‌های ثبتی وضع مهاجران در ادارات ثبت احوال و خانه‌های بهداشت، مراکز شهری که بیش‌ترین مهاجران را به شهر تهران می‌فرستند، شناسایی نموده تا بتوان راهکارهای سیاستی مهاجرت را در مبدأ مهاجران اعمال نمود. تجربه‌ی سیاست‌های مهاجرتی در ایران و سایر کشورها نشان داده است، سیاست‌های غیر مستقیم که معمولاً معطوف به مبدأ مهاجران است، موفق‌تر و کارسازتر از سیاست‌های مستقیم مهاجرت است.
- ✓ باید توجه داشت برخلاف تصورات عمومی، تهران طی سه دهه‌ی اخیر یک شهر مهاجرفرست بوده است. طبق داده‌های سرشماری‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، خالص مهاجرت شهرستان تهران و نیز شهر تهران یک رقم منفی بالا (به طور متوسط سیصد هزار) به‌دست آمده است. یعنی در هریک از دوره‌های اشاره شده، شهر تهران به طور متوسط ۳۰۰ هزار نفر جمعیت خود را به خاطر مهاجرفرستی از دست داده است. این امر نکته‌ی مهمی در زمینه‌ی سیاست‌گزاری وضعیت مهاجرت در شهر تهران است. با شناسایی ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مهاجرانی که از تهران خارج شده‌اند (ازطریق مراکز ثبت احوال و مراکز بهداشتی) و نیز با شناسایی وضعیت کلی نقاطی که پذیرای مهاجران شهر تهران هستند، می‌توان شروع سیاست‌های مهاجرتی شهر تهران را بر اساس این ویژگی‌های مهاجران و مبدأها قرار داد. در این زمینه بهتر است به مهاجرت‌های معکوس و برگشتی از شهر تهران توجه نموده و با انجام مطالعات پیمایش و کیفی بتوان به شناسایی دلایل و علل مهاجرت دقیق‌تری دست پیدا کرد.

- ✓ با مطالعه‌ی همه جانبه و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای تشویقی و تعامل با سایر نهادهای دولتی و خصوصی، می‌توان زمینه‌های انتقال نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی را از تهران به سایر مناطق کشور فراهم نمود. این انتقال می‌تواند هم جابه‌جایی کل نهاد و سازمان و هم کارکنان آن را شامل شود. اگرچه نتایج مطالعه‌ی مشفق و عیدی [۱۶] در زمینه‌ی سیاست‌های تشویقی دولت جهت خروج کارمندان از شهر تهران، نشان داد مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی، اداری و سازمانی دولت تمایلات کم و خیلی کمی در کارمندان مورد بررسی جهت مهاجرت از شهر تهران به سایر مناطق کشور به وجود آورده است و با شکست مواجه شد، ولی با تدوین یک برنامه‌ی تشویقی بلندمدت و منعطف می‌توان گام‌های خوبی در این زمینه برداشت.

توضیحات

۱. زنجانی [۷] اولین سرشماری جمعیت شهر تهران را سال ۱۲۶۲ با جمعیت ۱۰۶,۴۸۲ نفر بیان داشته است.

2. Sjaastad

۳. باید توجه داشت که گردشگران، مهمانان و بازدیدکنندگان فصلی که برای یک مدت خیلی کوتاه وارد منطقه‌ای می‌شوند و مدت اقامت و زمان سفر بعدی‌شان قابل پیش‌بینی نیست، جمعیت شناور را شامل نمی‌شود.

۴. علت برخی از مهاجرت‌ها نامشخص (سایر) و اظهار نشده است که از تحلیل کنار گذاشته شده است.

مرجع‌ها

[۱] امانی، مهدی (۱۳۸۰). جمعیت‌شناسی عمومی ایران. سمت، تهران.

[۲] بلادی موسوی، صدرالدین (۱۳۸۳). مهاجرت به شهر تهران. تحولات اخیر و آینده جمعیت ایران (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران.

[۳] بنی‌هاشمی، فریباسادات (۱۳۸۷). مقایسه ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مناطق ۲۲گانه شهر تهران بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۸۵. پژوهشکده آمار، تهران.

[۴] دالمانی، هانری‌رنه (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ابن‌سینا- امیر کبیر، تهران.

[۵] رستمعلی‌زاده، ولی‌اله؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۶). ماندن یا ترک کردن؛ چالش‌های مهاجرتی جوانان روستایی. پژوهش‌های روستایی، دوره **۸**، شماره ۲، صص ۲۸۵-۲۹۸.

[۶] رنجی، حسن؛ عرفانی، جمیله؛ حق‌گو، نصرت‌اله؛ قیومی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های جمعیت و مسکن در مناطق ۲۲گانه‌ی شهر تهران در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و مقایسه آن با سال ۱۳۸۵. پژوهشکده آمار، تهران.

[۷] زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۶۸). جمعیت تهران و آینده آن. محیط‌شناسی (ویژه تهران)، شماره **۱۵**، صص ۲۳-۴۰.

[۸] زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۸۰). مهاجرت، سمت، تهران.

[۹] زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۸۲). مجموعه شهری تهران: برگزیده مطالعات جمعیتی. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

[۱۰] صادقی، رسول (۱۳۸۸). ویژگی‌های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران در سرشماری ۱۳۸۵. گزیده مطالب آماری، سال ۲۰، شماره **۱**، صص ۴۱-۷۳.

[۱۱] طالقانی، محمود (۱۳۷۰). مطالعات جامعه‌شناسی شهر تهران. جلد دوم (جمعیت)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.

[۱۲] قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۸۶). سیاست‌های مهاجرت روستا- شهر و ضرورت آن با تأکید بر ایران. مجموعه مقالات چهامین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشگاه تهران، ۱۳ و ۱۴ اسفند ماه ۱۳۸۶، صص ۱۷۵-۱۹۴.

[۱۳] مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵.

[۱۴] مرکز پژوهش، سنجش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۹۰). اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷. خانه کتاب، تهران.

[۱۵] محمودیان، حسین؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران. برنامه همکاری دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل، تهران.

[۱۶] مشفق، محمود؛ عیدی، هدایت (۱۳۹۱). سنجش رابطه مشوق‌های دولتی مهاجرت با تمایل به مهاجرت معکوس در ایران. توسعه روستایی، سال ۱۹، شماره‌ی **۸۱ و ۸۲**، صص ۵-۱۷.

[17] Cadwallader, M. (1992). Migration and Residential Mobility: Macro and Micro Approaches. University of Wisconsin Press, Madison.

[18] Harris, J.R. and Todaro, M.P. (1970). Migration, Unemployment, and Development: A Two Sector Analysis. American Economic Review, **60**, 126-142.

[19] Jobes, P. (2000). Moving Nearer to Heaven: The Illusions and Disillusions of Migrants to Scenic Rural Places. Praeger, Westport, CT.

[20] McCatty, M. (2004). The Process of Rural-Urban Migration in Developing Countries. Carleton University, Ottawa, Ontario.

[21] Pessino, C. (1991). Sequential Rom Peru Migration Theory and Evidence. Development Economics, **36**, 55-87.

[22] Ranis, G. and Fei, J.C. (19961). A Theory of Economic Development. American Economic Review, **51**, 533-565.

[23] Sjaastad, L.A. (1962). The Costs and Returns of Human Migration. The Journal of Political Economy, **70**, 80-93.

[24] Todaro, M.P. (1969). A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries. American Economic Review, **59**, 138-148.

[25] Todaro, P.M. (1971). Income Expectations, Rural-Urban Migration and Employment in Africa. International Labor Review, **104**, 12-24.

[26] Todaro, M.P. and Maruszko, L. (1987). Illegal Migration and US Immigration Reform: A Conceptual Framework. Population and Development Review, **13**, 101-114.

علی قاسمی اردهایی
دکتری جمعیت‌شناسی
گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران.
رایانشانی: ghasemi33@yahoo.com

جعفر کردزنگنه
دکتری جمعیت‌شناسی
گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران.
رایانشانی: j.kordzanganeh@gmail.com